

# مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۴۰۲ (ص ۷۵ - ۸۱)  
دریافت: شهریور ماه ۱۴۰۲ پذیرش: آبان ماه ۱۴۰۲

## نقد جنس وسیله ذبح

### Critique of the Material of Slaughtering Instruments

علی رنجبران کندجانی / طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم.  
داود رنجبران کندجانی / طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

Ali Ranjbaran Kandeja / Seminary Student, Level 3, Qom Seminary

[Lyrnjbran144@gmail.com](mailto:Lyrnjbran144@gmail.com)

Davood Ranjbaran Kandejani / Seminary Student, Level 4, Qom Seminary.

#### Abstract

In Islamic Sharia, it is permissible to eat the meat of halal animals if it has been slaughtered according to Islamic orders. One of these orders is related to the type of slaughtering tool, which must be made of iron or any sharp metal. Regarding the type of slaughtering tool, some recent researchers say that the type of slaughtering tool has no relevance in animal slaughtering and slaughtering, and slaughtering can be done with any hard (metal) and sharp tool. But on the other hand, we have a consensus that the Shia jurists have considered the metal of the slaughtering tool as one of the conditions of tazkiyah. In this article, we intend to state whether being Hadid is a condition or not by examining the arguments of the parties. If it is required that Hadid is a slaughtering tool, what is meant by Hadid? Also, we are trying to resolve the conflict between the consensus of the Shia scholars who consider it a condition to be Hadid and the opinion of the late scholars who believe that there is no condition.

**Keyword:** Iron, Steel, Sharp Instrument, Cutting Tool, Knife.

#### چکیده

در شریعت اسلام خوردن گوشت حیوانات حلال گوشت در صورتی جایز است که طبق دستور اسلام ذبح شده باشد، یکی از این دستورات مربوط به جنس آلت ذبح است که حتما باید از آهن باشد یا با هر فلز تیز و برنده نیز ذبح شرعی حاصل می‌گردد. در ارتباط با جنس آلت ذبح برخی محققان متاخر می‌فرمایند که جنس آلت ذبح موضوعیتی در ذبح و تذکیه‌ی حیوان ندارد و با هر وسیله‌ی سخت (فلزی) و تیز می‌توان ذبح صورت گیرد. ولی از طرف دیگر اجماع منقول داریم که فقهای شیعه آهنی بودن آلت ذبح را از شرایط تذکیه دانسته‌اند. در این مقاله برآن هستیم تا با بررسی ادله‌ی طرفین، بیان کنیم که آیا حدید بودن شرط است یا خیر؟ در صورت اشتراط حدید بودن آلت ذبح منظور از حدید چیست؟ همچنین درصدد رفع تعارض بین اجماع منقول علمای شیعه که حدید بودن را شرط می‌دانند و قول متاخرین که قائل به عدم اشتراط هستند را برطرف کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** آهن، حدید، آلت‌تیز، ابزار سر بریدن، چاقو.

### مقدمه

با توجه به گسترش ابزار جدید ذبح و آلات ذبح غیر آهنی مثل استیل و ... و وجود روایاتی از معصومین (ع) در مورد آهنی بودن آلت ذبح، بحث در مورد صحیح بودن ذبح با آلات جدید و غیر آهنی از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به اهمیت مساله محققان بزرگی هم در رابطه با این مساله دست به قلم برده‌اند مانند مقالات فقهیه از آقای هاشمی شاهرودی (ره).

ما در این مقاله با جمع‌آوری ادله‌ی آنها و نقد و بررسی برخی از آنها می‌خواهیم اثبات کنیم که واژه‌ی حدید در مورد آلت مخصوص برش که تیزی لازم برای ذبح را دارد به کار رفته است.

حال اگر کسی استعمال حدید در معنای مذکور را نپذیرفت در این صورت ما احتمال خصوصیت ذبح با آلت آهنی را نمی‌دهیم و می‌گوییم؛ تذکیه حیوان حلال گوشت و ذبح آن با آلت آهنی (چاقوی آهنی) خصوصیتی ندارد به همین خاطر ذبح با هر آلت مخصوص برش که از فلزات سخت تهیه شده باشد و تیزی لازم برای ذبح و فری اوداج اربعه را داشته باشد صحیح است و تذکیه صورت می‌گیرد.

### نظرات فقها در مورد شرطیت آهن بودن وسیله‌ی ذبح

شهید ثانی می‌فرماید: «آلتی که با آن ذبح صورت می‌گیرد باید از آهن باشد و در صورت قدرت بر ذبح با آهن، ذبح با غیر آن محقق نمی‌شود هرچند آلت ذبح از جنس مس و نقره و طلا و امثال آن باشد.» (مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، شهید ثانی، چاپ ۱۴۱۳ق، ج ۱۱/ ص ۴۷۰)

بعد از شهید ثانی (ره) مرحوم فاضل هندی قائل به شرطیت آهن در آلت ذبح است، ایشان می‌فرمایند: «فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه در حال اختیار ذبح با غیر آهن صحیح نیست.» (کشف اللثام عن قواعد الاحکام، فاضل هندی، چاپ ۱۴۱۶ق، ج ۹/ ص ۲۲۴) فقیه دیگری که بعد از فاضل هندی آهن بودن آلت ذبح را شرط کرده است مرحوم نراقی است ایشان می‌فرمایند: «فقها بر این مطلب اجماع و اتفاق نظر دارند که در حال اختیار ذبح با غیر حدید صحیح نیست هرچند آلت ذبح از جنس فلزاتی مانند مس و طلا و نقره باشد.» (مستند الشیعه فی احکام الشریعه، نراقی، چاپ ۱۴۱۵ق، ج ۱۵/ ص ۳۹۴)

فقیه دیگری هم که آهن بودن را شرط کرده مرحوم صاحب جواهر است تغییر ایشان این چنین است «در صورت قدرت بر ذبح با آهن، ذبح و نحر با غیر آن صحیح نیست هم چنان که صاحب ریاض و صاحب مسالك بر این مطلب ادعای اجماع و عدم خلاف کرده‌اند.» (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، نجفی، بی تا، ج ۳۶/ ص ۹۹)

حال باید بگوییم هدف از نقل اقوال این بود که محقق گرانقدر این مقاله با اینکه خود عنوان زده نظرات فقها ولی فقط به نقل اجماع فقها ان هم از کتاب ریاض اکتفا کرده و اقوال مساله را از نگاه سایر فقهای بزرگوار نقل نفرموده است که ما در اینجا به قول چند تن از بزرگان فقه شیعه پرداختیم تا مساله از جهت اقوالی تبیین شود.

همچنین ایشان در مورد فقهایی که قائل به عدم جواز ذبح به غیر حدید بوده‌اند می‌فرماید فقهایی که عرب زبان بوده و داخل در عرف همان زمان بوده‌اند حدید را به آهن ترجمه نکرده‌اند و به عنوان شاهد عبارتی را از مرحوم نراقی بیان میکنند به نظر می‌رسد که اگر ایشان عبارتی از فقیه‌ی که اصالتاً عرب زبان بوده را می‌آوردند دقیق تر و صحیح تر بود.

مرحوم طباطبایی صاحب ریاض المسائل فرموده است فقهای امامیه اجماع دارند که تذکیه و ذبح باید با حدید صورت گیرد از طرف دیگری هم فقها برای استدلال به روایات وارده از ائمه ی معصومین علیهم السلام تمسک کرده‌اند معلوم می‌شود این اجماع از قبیل اجماع تعبدی که بتوان به آن تمسک کرد نیست مگر اینکه بگوییم منظور از اجماع، تسالم فقها است که در این صورت مشکلی نخواهد داشت.

### ادله

روایات وارده ذیل این بحث که فقها به آن استدلال کرده‌اند را می‌توان به چهار طایفه‌ی کلی تقسیم کرد: طایفه ی اول روایاتی که مطلقاً از ذبح به غیر حدید نهی می‌کنند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الذَّبِيحَةِ بِاللَيْطَةِ وَبِالْمَرُوءَةِ فَقَالَ لَا ذَكَاةَ إِلَّا بِحَدِيدَةٍ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۷)

عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّكَاةِ فَقَالَ لَا تُذَكُّ إِلَّا بِحَدِيدَةٍ نَهَى عَنْ ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۸)

عَنْ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحَةِ الْغُودِ وَالْحَجَرِ وَالْقَصَبَةِ فَقَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالْحَدِيدَةِ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۷)

طایفه‌ی دوم روایاتی است که مطلقاً بر جواز ذبح به غیر حدید دلالت می‌کنند.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِذَّبِيحَةِ الْمَرُوءَةِ وَالْغُودِ وَأَشْبَاهِهِمَا مَا خَلَا السِّنَّ وَالْعَظْمَ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۹)

طایفه‌ی سوم هم روایاتی است که جواز ذبح به غیر حدید را در صورت عدم وجود آهن و حدید جایز می‌دانند و جواز ذبح را مقید به صورت عدم دسترسی به حدید کرده‌اند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الذَّبِيحَةِ بِغَيْرِ حَدِيدَةٍ قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهَا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ حَدِيدَةً فَأَذْبَحْهَا بِحَجَرٍ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۹)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ سَكِينٌ أَوْ يَدْبَحُ بِقَصَبَةٍ فَقَالَ أَذْبَحْ بِالْحَجَرِ وَبِالْعَظْمِ وَبِالْقَصَبَةِ وَالْغُودِ إِذَا لَمْ تُصَبِّ الْحَدِيدَةَ إِذَا قَطَعَ الْخُلُقُومَ وَخَرَجَ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ بِهِ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۹)

يَاسَنَادُهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تَأْكُلَ مَا ذُبِحَ بِحَجَرٍ إِذَا لَمْ تَجِدْ حَدِيدَةً. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۸)

طایفه‌ی چهارم روایاتی است که بین صورتی که دسترسی و قدرت بر آهن هست و بین صورتی که دسترسی و قدرت بر آهن وجود ندارد تفصیل می‌دهند.

و يَاسَنَادُهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تَأْكُلَ مَا ذُبِحَ بِحَجَرٍ إِذَا لَمْ تَجِدْ حَدِيدَةً. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۹)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ سَكِينٌ أَوْ يَدْبَحُ بِقَصَبَةٍ فَقَالَ أَذْبَحْ بِالْحَجَرِ وَبِالْعَظْمِ وَبِالْقَصَبَةِ وَالْغُودِ إِذَا لَمْ تُصَبِّ الْحَدِيدَةَ إِذَا قَطَعَ الْخُلُقُومَ وَخَرَجَ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ بِهِ. (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴/ص ۹)

دو مطلب از مجموع روایات قابل استفاده است یکی اینکه محدودیت و تیزی در آلت ذبح لحاظ شده است به قرینه مقابلله با عود و ... که غالباً تیزی لازم برای ذبح و فری اوداج را ندارند.

قابل ذکر است که این ادعا که لیطه و مروه وسایل تیزی هستند و از اینکه سنگ و چوب کنار اینها قرار گرفته اند می‌فهمیم که منظور سنگ تیزی بوده که امکان قطع و ذبح رگهای حیوان را داشت باطل است زیرا لیطه و مروه غالباً به حدی تیزی نیستند که بتوانند فری اوداج کنند به همین خاطر از این قرینه نمی‌توان برای اثبات تیزی سنگ و امثال آن که در روایت آمده است استفاده کرد.

دوم هم اینکه از روایات یک ضابطه کلی استظهار می‌شود و آن فری اوداج اربعه است که باید چهار رگ بریده شود و در عود و سنگ و امثال اینها چون احتمال عدم تحقق فری اوداج می‌رود از ذبح به وسیله‌ی آنها نهی شده است.

پس نمی‌توانیم بگوییم که ذبح باید صرفاً با آهن باشد و در صورت مقدور بودن ذبح با آهن ذبح با غیر آن صحیح نیست زیرا اولاً حدید در روایات به معنای هر شیء سختی که برای ذبح و امثال آن قابل استفاده است می‌باشد نه به معنای آهن و چون در زمان صدور روایات چیز برنده‌ای در برابر آهن غیر از شیشه و سنگ نبوده و حیوان با آنها زجر کش می‌شده فرموده‌اند (لا ذکاه الا بحدیده)،

به عنوان شاهد ما روایاتی داریم که استحباب تیز بودن آلت ذبح را بیان می کنند می توان از آنها استفاده کرد که زجرکش شدن حیوان امری ناپسند برای شارع است و شارع می خواهد مذبوح به راحتی ذبح شود. عن النبی صلی الله علیه و آله: «إذا ذبحتم فأحسنوا الذبح، و لیحد أحدکم شفرته، و لیرح ذبیحته». (مستند الشیعه فی احکام الشریعه، نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵/ص ۴۴۸)

هم چنین در بعضی عبارات واژه ی حدیده استفاده شده است که خیلی بعید است که معنای آهن از آنها ارده شده باشد بلکه احتمال قوی داده می شود که به معنای شیء تیز مانند شمشیر باشد.

قال سعید عن قتاده من قتل بحدیده قتل بحدیده و من قتل بخشب قتل بخشب و من قتل بحجر قتل بحجر. (تفسیر یحیی بن سعید التیمی البصری القیروانی، یحیی بن سلام تیمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱/ص ۱۳۴)

قتل العمد ما کان بحدیده و ما کان بدون الحدید فهو شبه العمد. (جامع البیان فی تفسیر القرآن، طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵/ص ۱۳۶)

مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَتَوَجَّأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا أَبَدًا. (الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی، ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۴/ص ۱۵۱)

ثانیا همانگونه که گفتیم مهم فری اوداج و خروج دم است و آن هم با هر آلت برنده ای حاصل شود صحیح است و اگر در روایات عسا و عود و سنگ را استثنا کرده اند به خاطر این است که معمولاً اینها فری اوداج نمی کنند و آلت ذبح نیستند.

همچنین معنای لغوی حدید را هم می توان به عنوان شاهد بر این سخن قرار داد که در ان قاطع بودن و تیزی لحاظ شده است. «الحاء و الدال أصلان: الأول المنع، و الثاني طَرَفُ الشیء... سُمِّيَ الحدیدُ حدیداً لامتناعه و صلابته و شدته.» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴/۲)

هم چنان که از معانی استعمالی واژه ی حدید در معاجم لغت هم قابل استفاده است این است که در اکثر این استعمالات آنچه مد نظر بوده تیزی بوده مانند حدید الفهم، یا حدید النظر یا لسان حدید که به معنای تیزفهم و تیزبین و زبان تیز است می باشد. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۲۲)

پس از این که معنای حدید را با استفاده از قراین و استعمالات بیان کردیم باید به این مطلب بپردازیم که محقق گرانقدر اگرچه خواسته این معنا را رد نماید که با قرینه قرار دادن عود و سنگ و... نمی توان این معنا را اثبات کرد چرا که در آنها هم تیزی نزد سائل مفروغ عنه بوده ولی باید بگوییم که منظور از حدید در روایات صرف تیزی نیست بلکه باید یک آلت برای بریدن و ذبح باشد ولو از جنس آهن نباشد یعنی آلت ذبح تیز، زیرا اگرچه شاید سنگ و سایر وسایل ذکر شده در روایات تیزی داشته باشند ولی بعید است که تیزی اینها به حد چاقو و ابزار برش باشد و گفتیم که زجر نکشیدن حیوان هم برای شارع مدنظر بوده برای همین فرموده که تا در صورت امکان و قدرت با الت برش و ذبح که تیزی لازم برای سر بریدن را دارد ذبح حیوان صورت بگیرد.

سر حیوان را با کارد تیز ببرند و کارد باید از فلزی باشد که معمولاً با آن چاقو می سازند. (مجمع الفائده و البرهان، موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸ش، ص ۶۰۴)

با صرف نظر از همه ی این مطالب باید بگوییم که اگر این ادله یاد شده هم توان اثبات معنای مورد نظر را نداشته باشد باز می گوییم که ذبح با فلزات دیگر که از آنها چاقو و آلت ذبح ساخته شده است نیز صحیح است و تذکیر با آنها صورت می گیرد زیرا که ما در ذبح با آهن احتمال خصوصیت نمی دهیم بلکه آنچه مورد نظر شارع بوده فری اوداج اربعه با یک آلت ذبح و چاقوی تیز بوده است. اگر آلت ذبح غیر آهن باشد ولی در حدت و استحکام و تیزی و اطراد تا آخر ذبح مثل آهن باشد به نحو یقین، بعید نیست به الغاء خصوصیت ملحق به آهن باشد. (بهجت، ۱۳۸۸ش، ۴۱۳)

### نتیجه گیری

آنچه از استعمالات و ظهور کلمه ی حدید به دست می آید این است که حدید فقط آهن نیست بلکه شامل هر فلز سخت است و منظور از آن در روایات هر فلز سختی که به عنوان ابزار بریدن بوده و تیزی لازم برای ذبح را دارا باشد تذکیر و ذبح به وسیله آن صحیح است.

سر حیوان را با وسیله تیزی که بریدن با آن متعارف است همچون کارد و چاقو ببرد و لازم نیست سر حیوان را با چیزی ببرد که از جنس آهن باشد، بنابراین بریدن سر حیوان با کارد استیل اشکالی ندارد هر چند بداند که به استیل آهن گفته نمی شود. (توضیح المسائل، شبیری زنجانی، ۱۳۸۸ش، ص ۵۶۵)

علاوه بر ظهور استعمالی واژه ی حدید گفته شد که می توان با الغاء خصوصیت، ذبح با سایر ابزارات فلزی را صحیح دانست. علاوه بر اینها بعضی نیز گفته اند که بر استیل و مانند آن عرفاً حدید صدق می کند. (دروس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی، ۱۳۸۵ ش، ۱۴۹/۳)

سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد. کاردهای استیل و مانند آن چون از جنس آهن است اشکال ندارد. (توضیح المسائل، مظاهری، ۱۳۸۹ ش، ۳۴۰ ص)

## منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن منظور، محمد بن مکرم (۳۸۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر و دار.
- [۳] اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). مجمع الفائده و البرهان. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- [۴] احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۵] ایروانی، باقر (۱۳۸۵ش)، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، قم: موسسه الفقه للطباعة و النشر.
- [۶] بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، توضیح المسائل، قم: دفتر آیت الله العظمی محمدتقی بهجت.
- [۷] ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره: دارالحدیث.
- [۸] تیمی، یحیی بن سعید (۱۴۲۵ق)، تفسیر یحیی بن سعید التیمی البصری القیروانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۹] جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶ش)، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، تهران: امیر کبیر.
- [۱۰] حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- [۱۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم-الدار الشامیه.
- [۱۲] زارعی سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۰ق)، القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- [۱۳] شبیری زنجانی، موسی (۱۳۸۸ش)، توضیح المسائل، قم: سلسبیل.
- [۱۴] طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- [۱۵] طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- [۱۶] عابدینی، احمد (۱۳۸۰ش)، ابزار سر بریدن چهارپایان، آهن یا .....، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۳۳۷-۳۸۴.
- [۱۷] عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- [۱۸] فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- [۱۹] مظاهری، حسین (۱۳۸۹ش)، توضیح المسائل، اصفهان: موسسه فرهنگی مطلعاتی الزهرا (س).
- [۲۰] نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- [۲۱] نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۲۲] هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷)، مقالات فقهیه. بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- [23] Ardabili, Ahmad bin Mohammad (Beta). Assembly of Al-Faidah and Al-Barhan. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute (in Arabic).
- [24] Abedini, Ahmad (2010), the tool for cutting off the head of cattle, iron or ....., a new exploration in Islamic jurisprudence, numbers 29 and 30, pp. 337-384 (in Persian).
- [25] Ameli, Zain al-Din bin Ali (1413 A.H.), Masalak al-Afham al-Tankih Shar'e al-Islam, Qom: Al-Ma'arif al-Islamiya Institute (in Arabic).
- [26] Ahmad Ibn Faris (1404 A.H.), Ma'jam Maqays al-Lagheh, Qom: School of Al-Alam al-Islami (in Arabic).
- [27] Behjat, Mohammad Taqi (1386), Taqf al-Masal, Qom: Office of Ayatollah Grand Ayatollah Mohammad Taqi Behjat (in Persian).
- [28] Fazel Handi, Muhammad bin Hassan (1416 AH), Kashf al-Latham on the rules of al-Ahkam, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute (in Arabic).
- [29] Har Ameli, Muhammad bin Hassan (1416 AH), Tafsil al-Wasal al-Shi'a until Tahsil al-Sharia' issues, Qom: Al-Al-Bayt Lahia al-Tarath Institute (in Arabic).
- [30] Hashemi Shahrudi, Seyyed Mahmoud (1417), jurisprudential articles. Beirut: Al-Ghadir Center for Islamic Studies (in Arabic).
- [31] Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1388 AH), Lasan al-Arab, Beirut: Dar Sadhir and Dar (in Arabic).

- 
- [32] Irvani, Baqer (1385), introductory courses in jurisprudence, Qom: Institute of Jurisprudence for Printing and Publishing(in Arabic).
- [33] Jannati, Mohammad Ebrahim (2006), The Development of Ijtihad in the Field of Inference, Tehran: Amir Kabir(in persian).
- [34] Mazaheri, Hossein (1389), Taqf al-Masal, Isfahan: Al-Zahra Cultural Institute of Information(in persian).
- [35] Naraghi, Ahmad bin Muhammad Mahdi (1415 AH). Al-Shi'a Documentary in the Laws of the Sharia, Qom: Al-Al-Bayt Lahiya Al-Tarath Institute(in Arabic).
- [36] Najafi, Mohammad Hassan (B.T.A.). Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam. Beirut: The Revival of Arab Heritage(in Arabic).
- [37] Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 AH), The Words of the Qur'an, Damascus: Dar al-Qalam- Al-Dar al-Shamiya(in Arabic).
- [38] Shabiri Zanjani, Musa (1388), Taqf al-Masal, Qom: Salisbil(in persian).
- [39] Tirmidhi, Muhammad Ibn Isa (1419 AH), al-Jamae al-Sahih and Hu Sunan al-Tirmidhi, Cairo: Dar al-Hadith(in Arabic).
- [40] Timi, Yahya bin Saeed (1425 AH), Tafsir Yahya bin Saeed al-Taimi al-Basri al-Qirwani, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya(in Arabic).
- [41] Tabatabaei, Seyyed Ali (1418 AH), Riaz al-Masal, Qom: Al-Al-Bait Lahiya al-Trath Institute(in Arabic).
- [42] Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa(in Arabic).
- [43] Zarei Sabzevari, Abbas Ali (1430 A.H.), Al-Qasear Al-Fiqhiyyah fi fiqh al-Umamiyah, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute(in Arabic).